



Expalanation of ALAVI's governance and management system

Department of Management, Faculty of Management and Military Science, Imam Ali Military University
sity, Iran. Email: abdi@iamu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Objective: The purpose is transforming and rethinking in Iran's governance and management system based on Nahjolbalagheh's implications. The governance and management system is the core of change in the society and its transformtrion is a necessity for development.
Article history: Received 2025/07/25 Received in revised form 2025/12/30 Accepted 2026/04/28 Published online 2026/09/22	Methodology: This exploratory research with a qualitative approach has been done by content analysis based on Nahjolbalagheh. Findings: The Consignment as a pillar of transforming and rethinking in Iran's governance and management system based on Nahjolbalagheh's implications. It will be work under the shadow of Quran and ETRAT. Originality: Transforming and rethinking in Iran's governance and management system based on Nahjolbalagheh's implications.
Keywords: <i>Imam Ali (peace of allah be upon him), Nahjolbalagheh, Governance and Management, Development, Consignment.</i>	

Cite this article: Abdi, B., (2026). Expalanation of ALAVI's governance and management system.
Management of Defense Human Capital, 6 (22), 63-93
DOI: [10.22034/jdhcm.2026.2072219.1224](https://doi.org/10.22034/jdhcm.2026.2072219.1224)



Publisher: AJA Imam Ali Military University



تبیین مختصات نظام حکمرانی و مدیریت علوی

بهنام عبدی

دانشیار، گروه مدیریت، دانشکده فرماندهی و مدیریت، دانشگاه افسری امام علی (ع)، ایران. رایانامه: abdi@iamu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

زمینه و هدف: نظام حکمرانی و مدیریت، اساس تحول و پیشرفت جامعه است. عدم تحقق چشم‌انداز کشور در ۱۴۰۴ بیانگر ضرورت تحول و بازاندیشی در نظام حکمرانی و مدیریت است. پژوهش حاضر به شناسایی و تبیین مختصات نظام حکمرانی و مدیریت از دیدگاه امیر مومنان امام علی «علیه‌السلام» با تاکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه پرداخته است.

روش پژوهش: این مطالعه از نظر هدف، اکتشافی و به دنبال ایجاد دانش و درک بهتر از پدیده مورد بررسی است. رویکرد کلی پژوهش، استقرایی و نحوه انجام آن، کیفی است که با تحلیل محتوای نهج‌البلاغه به انجام رسیده است.

یافته‌ها: عدالت باید به عنوان محور اصلی؛ در بستر اخلاص و تحت هدایت قرآن کریم و عترت، اساس و پایه نظام حکمرانی و مدیریت کشور باشد.

نتیجه‌گیری: در پرتو آنچه باید (تقوا و توکل) و آنچه نباید (ستایش‌پذیری و غرور)، به نظام حکمرانی و مدیریت علوی دست خواهیم یافت.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۵/۰۳

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۱۰/۰۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۲/۰۸

تاریخ انتشار:

۱۴۰۵/۰۶/۳۱

کلید واژه‌ها:

امیر مومنان امام

علی «علیه‌السلام»

حکمرانی و مدیریت

علوی، نهج‌البلاغه،

عدالت.

استناد: عبدی، بهنام (۱۴۰۵). تبیین مختصات نظام حکمرانی و مدیریت علوی. فصل‌نامه مدیریت سرمایه انسانی دفاعی، ۶ (۲۲)، ۶۳-۹۳



DOI: [10.22034/jdhcm.2026.2072219.1224](https://doi.org/10.22034/jdhcm.2026.2072219.1224)

ناشر: دانشگاه افسری امام علی (ع)

مقدمه:

یکی از ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین نیازهای جوامع، وجود نظام حکمرانی/مدیریتی مناسب به منظور اداره امور مختلف جامعه/سازمان بوده است که از ابتدای خلقت انسان تاکنون، این امر به انحاء مختلف محقق شده است و در امتداد آن، منجر به شکل‌گیری مفاهیمی همچون حکومت و حکمرانی شده است. مفهوم حکومت و حکمرانی از دیدگاه‌های مختلف قابل طرح است و تاریخ بشر پیوسته دریافت‌های مختلفی از آن داشته است. در مواقعی، مفهوم حکمرانی چنان از جایگاه حقیقی خود دور شده است که شکل سلطه‌گری و خودکامگی به خود گرفته است، لذا حکومت برای حکمرانان به معنای حکم‌فرمایی و تسلط بر دیگران بوده است. اما مفهوم حکمرانی در اسلام جز به معنای امانت، خدمت، هدایت و محبت نسبت به مردم/کارکنان نیست و این مفهوم به زیبایی تمام در سیره امیر مؤمنان امام علی «علیه‌السلام» جلوه یافته است (عبدی، ۱۳۹۹).

حکمرانی به عنوان شیوه‌ای که در آن قدرت به منظور مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی جهت توسعه کشور به کار گرفته می‌شود، تعریف شده است (پاکروان، ۱۳۹۹) و ناظر بر تعامل بین سه رکن اساسی حکومت (به معنای قوای مجریه، مقننه و قضایی)، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. حکمرانی مهم‌ترین مساله بحث‌برانگیز قرن آینده خواهد بود (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۲۵)^۱. جامعه مدنی، بسترهای لازم برای مشارکت گروه‌های فعال در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌نماید، به نحوی که بخش خصوصی می‌تواند با راه‌اندازی کسب‌وکار، زمینه را برای اشتغال‌زایی و ایجاد درآمد در اقتصاد فراهم سازد. به عبارت دیگر، حکمرانی بر حاکمیت شبکه‌هایی دلالت دارد که جامعه مدنی را با دولت پیوند می‌دهند (پتای و الینگ، ۲۰۰۴)^۲ و در واقع، فراگرد رهبری و هدایت جامعه را شکل می‌دهند. به عبارت دیگر، حکمرانی به گسترش دامنه هدایت و رهبری جامعه اشاره دارد و به عنوان اساس هدایت و اداره جامعه و سازمان لحاظ می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۲۵)^۳. در پرتو حکمرانی، مرزبندی بخش‌های سه‌گانه جامعه (عمومی، خصوصی و جامعه مدنی) کم‌رنگ‌تر جلوه می‌نمایند؛ زیرا

^۱ Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

^۲ Pettai & Illing, 2004

^۳ The World Bank, 2025

حکمرانی به همه فراگردهای اداره عمومی اشاره دارد که گاهی توسط دولت، گاهی بازار و گاهی شبکه در سازمان‌های رسمی یا غیررسمی و از طریق قوانین، هنجارها، قدرت یا حتی زبان اعمال می‌گردد (بویر، ۲۰۱۳)^۱ و فرایندهای تعامل و تصمیم‌گیری بین کنشگران مرتبط با حل یک مساله عمومی را در بر می‌گیرد تا منجر به خلق، تقویت یا بازتولید هنجارها و نهادهای اجتماعی گردند.

حکمرانی در مدیریت عمومی، به طور عمده نقش نظارتی و بودجه‌دهی سازمان‌های دولتی را مورد ملاحظه قرار می‌دهد. این نقش سازمان‌های دولتی درباره فعالیت سازمان‌های خصوصی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند که قراردادهای عرضه خدمات عمومی را منعقد می‌کنند (توکلی و همکاران، ۱۳۹۹). تغییر به سمت مفهوم حکمرانی برای اهداف جمعی، ملاحظات ناظر بر خط‌مشی قابل توجهی درباره نقش مدیریت دارد. این تغییر نگاه به سمت حکمرانی، به این معناست که دولت باید به حالتی فراتر از یک جایگاه ساختاری دارای اختیارات و سلسله‌مراتب حرکت کند (پورعزت، ۱۴۰۲)^۲.

از سوی دیگر، گویا تغییر اساسی در نقش مدیریت دولتی، از تمرکز بر دولت به سمت توجه به حکمرانی مسولانه^۳ است. حکمرانی مسولانه به صداقت کارگزاران بخش عمومی و انگیزش درونی آنان برای ارائه خدمات به شهروندان و گسترش آنها، قابلیت تشخیص و اندازه‌گیری خدمات و منافع مورد ادعا، شفافیت و ارائه اطلاعات درباره عملکرد و دستاوردها و تعارض بالقوه منافع گروه‌ها و بخش‌های گوناگون جامعه، در ارزشیابی و تصمیم‌گیری تاکید داشته و ناظر بر موارد زیر است (پورعزت و عبدی، ۱۳۹۸):

۱. **تعهد به صداقت و شفافیت:** فقدان صداقت و شفافیت، از حیث محدودیت‌های انگیزشی، منافع مورد انتظار و تعارضات سطح جامعه، به سوء تفاهم و بی‌اعتمادی بین دانشمندان، خط‌مشی‌گذاران و عموم مردم می‌شود؛

۲. **توجه و تدقیق ارزش‌ها و پیش‌فرض‌های اساسی:** حکمرانی مسولانه مستلزم این است که کنشگران به این مهم توجه داشته باشند که ارزش‌ها و پیش‌فرض‌های اساسی

^۱ Bevir, 2013

^۲ Hall, 2002

^۳ متعهدانه، پای کار

حاکم بر نظام حکمرانی، چگونه بر خلق تصویر آینده مطلوب و چگونگی شکل‌گیری و درک مسایل و راه‌حل‌ها، تاثیرگذارند؛

۳. حضور طیف متنوع و وسیعی از کنشگران و دانش مرتبط: تعهد به صداقت و شفافیت و بازتعریف نقش اساسی ارزش‌ها و پیش‌فرض‌های حاکم، این امکان را فراهم می‌آورد که طیف وسیع و متنوعی از دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و کنشگران، در حکمرانی مسؤلانه مشارکت نموده و به نوعی، حکمرانی مشارکتی محقق شود؛

۴. پاسخگویی: عملکرد موثر موارد بالا، نیازمند تمایل و آمادگی کنشگران و سیستم‌های حکمرانی، به پاسخگویی درباره دغدغه‌ها و انتظارات اجتماعی، ارزش‌های در حال تغییر و تفسیرهای گوناگون از دستاوردهای بالقوه است.

با این وجود، واکاوی وضعیت کشور برابر اهداف و برنامه‌های سال‌های اخیر، به ویژه سند چشم‌انداز توسعه در افق ۱۴۰۴، بیانگر این است که در نیل به اهداف پیش‌بینی‌شده موفق نبوده‌ایم. فارغ از تاملات قابل توجه در رابطه با فراگرد/محتوای سند مزبور و اسناد مشابه، ناکامی مزبور بر عدم موفقیت کشور در مسیر پیشرفت دلالت دارد. در این امتداد، راه پیشرفت متضمن یک فرض جالب توجه است؛ فرض قیام علیه وضع موجود به منظور حرکت به سمت اهداف تعیین‌شده و نیل به وضع مطلوب، پس عزم افراد جزم می‌شود تا شرایط را تغییر دهند و راهی برای گذار از امروز به فردای بهتر کشف شود؛ راهی قابل اعتماد و راهیان، به طور مستمر راه خویش را از کژراهه‌ها، باز یابند (عبدی و پورعزت، ۱۴۰۰) و چه شاخص و میزانی بهتر از سیره نورانی امیر مومنان امام علی «علیه‌السلام». بدون تردید نهج‌البلاغه کتابی حیات‌بخش و ارمغانی الهی برای جامعه بشری است (مرادی، ۱۴۰۲). در این امتداد پژوهش حاضر به تبیین مختصات نظام حکمرانی و مدیریت علوی پرداخته است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حکمرانی

از نظر واژه‌شناسی، حکمرانی به معنای هدایت یا اداره کردن برمی‌گردد که توسط افلاطون در ارتباط با نحوه طراحی نظام حکومتی مورد استفاده قرار گرفته است. حکمرانی به معنای اداره قواعد سیاسی رسمی یا غیررسمی یک بازی. حکمرانی اشاره به آن معیارهایی دارد که شامل وضع قواعد برای اعمال قدرت و حل و فصل تعارضات در چهارچوب آن

است. تمامی تعاریف جهت تعریف حکمرانی بیانگر مفهومی وسیع تر از حکومت هستند. کاربرد جدید این واژه فقط شامل بازیگران و نهادهای دولت نمی شود؛ بلکه شامل سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی می شود. از این روی اصطلاح مذکور حکمرانی دولت را در برمی گیرد. اما با درگیر کردن بخش خصوصی و جامعه مدنی از آن فراتر می رود. هر سه آنها برای توسعه انسانی پایدار، ضروری هستند. دولت، محیط سیاسی و حقوقی مناسب به وجود می آورد، بخش خصوصی اشتغال و درآمد ایجاد می نماید و جامعه مدنی هم تعامل گروه های فعال برای مشارکت در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تسهیل می نماید. وظیفه حکمرانی خوب نیز هماهنگی هر چه بیشتر برای این سه بخش با یکدیگر است (پورعزت، ۱۴۰۲).

در یک تعریف ابتدایی، حکومت داری یا حکمرانی به عنوان مجموعه ای از سنت ها و نهادها که حاکمان در چارچوب آنها عمل می کنند یا به عنوان روش پیاده سازی قدرت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها یا تصدی گری اقتصادی، سیاسی و اجرایی برای مدیریت کلیه مناسبات کشور در کلیه سطوح تعریف شده است. این تصدی گری شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که شهروندان و گروه های ذی نفع، حقوق قانونی خود را مطالبه کرده، با تعهدات خود آشنا شده و در مورد تفاوت ها، با یکدیگر مواجه می شوند. بر اساس برن توسعه سازمان ملل، حکمرانی:

۱. به عنوان قوانین حاکم بر یک سیستم سیاسی تعریف شده است که تعارضات

میان بازیگران را مدیریت کرده و تصمیم گیری می کند (قانونمندی)؛

۲. همچنین برای توصیف کارکردهای نهادهای مختلف، و پذیرش آنها توسط مردم

نیز کاربرد دارد (مشروعیت)؛

۳. و به عنوان اثربخشی دولت و رسیدن به اجماع از مسیرهای دموکراتیک نیز

استفاده شده است (مشارکت).

حکمرانی می تواند متمرکز بر گستره وسیعی، از دولت ها گرفته تا سازمان های رسمی و غیررسمی، و طایفه ها و خانواده ها باشد؛ و از طریق گستره وسیعی از ابزارها، شامل قوانین، هنجارها یا قدرت پیاده شود. هدف حکمرانی می تواند خلق، تقویت یا بازتولید هنجارها یا نهادهای اجتماعی باشد. بسته به درجه رسمیت حکمرانی، گستره شیوه ها، انگیزه ها و نتایج آن نیز می توانند گسترده باشد. از میان موجودیت ها و نهادهای مختلفی که می توانند حکمرانی کنند، رسمی ترین آنها دولت ها هستند که یگانه مسئولیت آنها تصمیم گیری

در یک گستره مرزی سیاسی، توسط تثبیت قوانین است؛ البته بازیگرانی که قدرت تصمیم‌گیری ندارند نیز (مانند گروه‌های لابی، احزاب و رسانه‌ها) می‌توانند از مجراهای گوناگونی در این فرایند ایفای نقش کنند.

بانک جهانی (۲۰۰۶) تعریف مفهومی حکمرانی را در مقابل مفهوم حکمرانی خوب قرار داده است: قانون حاکمان که معمولاً در قالب یک سری قوانین تبیین می‌شود. از این عبارت این‌طور برداشت می‌شود که حکمرانی یک فرایند است که در آن حاکمان در خصوص قوانین رایزنی کرده، آن‌ها را وضع می‌کنند و در نهایت، این قوانین ابلاغ و اجرا می‌شوند؛ بنابراین درک مفهوم حکمرانی مستلزم شناختن قوانین و همچنین شناختن فرایندهای انتخاب و تبیین قوانین و رابطه آنان با یکدیگر و با جامعه است.

مدلهای حکمرانی

چگونگی میدان دادن به نظام ارزشی ذینفعان در یک رویه حکمرانی باعث می‌شود که مدل‌های مختلفی از شیوه‌های پیاده‌سازی حکمرانی در جهان معاصر مطرح باشد از جمله حکمرانی خوب و حکمرانی سالم که به صورت مختصر بررسی خواهند شد.

الف. حکمرانی خوب

"حکمرانی خوب" مفهومی است که توسط سازمان‌های بین‌المللی در اواخر دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات توسعه شده و بر اساس معیارهای خاص، حکمرانی را حاصل تعامل و ارتباط متقابل دولت و کنشگران جامعه مدنی (سازمان‌های غیردولتی، بخش خصوصی، گروه‌های ذی نفوذ و رسانه‌ها) جهت نیل به توسعه در هر کشوری می‌داند. معیارهای حکمرانی خوب از نظر این سازمان‌ها عبارت است از:

۱. **مشارکت:** مفهوم مشارکت در اینجا، اشاره به آزادی بیان و تنوع دیدگاه‌ها و

سازماندهی یک جامعه مدنی دارد

۲. **حاکمیت قانون:** حکمرانی خوب نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که

در بر گیرنده حمایت کامل از حقوق افراد (بویژه اقلیت‌ها) در جامعه بوده و به صورت شایسته‌ای اجرا گردد

۳. **شفافیت:** شفافیت، به معنی جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی سهل و

آسان به آن برای همه است

۴. **پاسخ‌گویی:** پاسخگویی نهادهای سازمان‌ها و موسسات در چارچوب قانونی و زمانی مشخص در برابر اعضاء خود و ارباب رجوع، از جمله عواملی است که به استوار شدن پایه‌های حکمرانی خوب در یک جامعه منجر می‌شود

۵. اثربخشی و مسئولیت‌پذیری: مسئولیت‌پذیری را می‌توان یکی از کلیدی‌ترین مولفه‌های حکمرانی خوب به‌شمار آورد. درکنار موسسات و نهادهای حکومتی، سازمان‌های خصوصی و نهادهای مدنی فعال در جامعه نیز باید در قبال سیاست‌ها و اقدامات خود پاسخگو باشند.

ب. حکمرانی سالم

در انتقاد از حکمرانی خوب، حکمرانی سالم به برداشت آزاد و متنوع از شیوه و معیارهای حکمرانی خوب در کشورهای مختلف تاکید دارد و معتقد است که حکمرانی باید مطابق با آداب، رسوم و فرهنگ محلی هر کشور تعریف و سازماندهی شود. البته همچنان معیار اصلی در حکمرانی سالم، همانند حکمرانی خوب، رفاه مردم می‌باشد. ابعاد قابل توجه حکمرانی سلام عبارتند از: گفتمان سازی، توسعه پایدار، شهروندمحوری، حاکمیت نهادی و حکمرانی الکترونیک.

حکمرانی و مدیریت در نهج‌البلاغه: امانتی الهی

از منظر امیر مومنان امام علی «علیه‌السلام»، نکته کلیدی قابل توجه در رابطه با حکمرانی/مدیریت، "امانت" بودن آن است. آیا امانتی بالاتر از حکومت/سازمان و اداره امور جامعه/کارکنان وجود دارد؟ بنابراین، اولین و مهم‌ترین ویژگی حکمران/مدیر، امین بودن و دوری از خیانت نیست؟ مردم باید حکومت را که مهم‌ترین امانت الهی است به دست اهل آن بسپارند و حاکمان نیز وظیفه دارند پست‌های مهم حکومتی را به دست افراد صالح و شایسته که اهل آن هستند، واگذار کنند و در یک کلام، به امانت‌ها خیانت نشود که خیانت آفت بزرگ جوامع/سازمان‌ها است؛ لذا قرآن کریم خطاب به مومنان می‌فرماید از خیانت به خداوند و رسولش و امانت‌هایی که بر عهده دارید، بپرهیزید^۱.

^۱ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ ... ای اهل ایمان به خدا و پیامبر خیانت نکنید، و به امانت‌های میان خود هم خیانت نوزید...؛ انفال، ۲۷».

در این امتداد و در جامعه/سازمان علوی، جایگاه حکمرانی/مدیریت از منظر امیر مومنان امام علی «علیه السلام»، امانتی بزرگ است نه وسیله نان و آب^۱؛ بنابراین پست حکمرانی/مدیریت، امانتی از جانب خداوند است که باید مطابق با نظر خداوند اعمال شود و اگر در آن سلايق و ترجیحات شخصی اعمال شود، خیانت در امانت محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، دنیا محل آزمایش است و مناصب و موقعیت‌های انتصابی، مقام آزمایش الهی هستند: "به دنیا آمديم تا در آن آزمایش گرديم، ن ۵۵۲".

بر این اساس، جایگاه حکمرانی/مدیریت، امانتی است بر عهده متصدیان و منصوبان و توجه جدی به مسئولیت‌های واگذاری حاصل از آن، به شدت مورد تاکید امیر مومنان امام علی «علیه السلام» قرار دارد. از نظر امام، جایگاه‌های در اختیار مانند حکمرانی و مدیریت، امانتی بر گردن دارنده آن است که باید مراقبت شود: "همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است، ن ۵". امانت، متعلق به فرد امانت‌دار نیست و صرفاً جهت نگهداری یا انجام امر خاصی به او سپرده شده است. چه امانتی بالاتر از حکمرانی و مدیریت بر جامعه یا سازمان؟ "نسبت به آنچه در اختیار داری از خدا بترس، و در حقوق الهی که بر تو واجب است اندیشه کن، ن ۲۹". تاکید امام بر امانت‌بودن مسئولیت واگذاری و توجه به عواقب آن تا بدانجاست که بزرگترین خیانت را، خیانت به ملت برمی‌شمردند: "کسی که امانت الهی را خوار شمارد، و دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته، و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده و در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود و همانا بزرگترین خیانت، خیانت به ملت، و رسواترین دغل‌کاری، دغل‌بازی با امامان است، ن ۲۶". لذا امام خطاب به مالک اشتر، نظارت بر رفتار کارگزاران و مراقبت و بازرسی از آنها را از جنبه‌های امانت‌داری برمی‌شمردند: "رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو و وفا پیشه بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود؛ ن ۵۳" و به برخورد سخت و جدی با خیانت‌کاران امر می‌فرمایند: "وفا با پیمان‌شکنان، پیمان‌شکنی

^۱ "إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ؛ همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است؛ ن ۵".

است در نزد خدا و پیمان شکنی با پیمان شکنان، وفاداری است در نزد خدا؛ ح^۱ ۲۵۹. امام تفاوت خود و معاویه را در وفای به عهد ایشان و پیمان شکنی معاویه ذکر می نمایند: "به خدا سوگند، که معاویه از من زیرک تر نیست، اما او دست به پیمان شکنی و معصیت می آید و اگر نبود که خیانت و عهد شکنی زشت و نارواست، بی گمان من زیرک ترین مردمان بودم. اما هر خیانتی گناه است و هر گناهی نوعی کفر و در روز رستخیز هر پیمان شکنی را پرچمی است که با آن شناخته می شود؛ خ^۲ ۲۰۰" و اصحاب خود را در این رابطه سرزنش می نمایند: "پیمان های خدا را شکسته می بینید و به خشم نمی آید، در حالی که شکسته شدن پیمان های پدران را عار می دانید و ناراحت می شوید؛ خ^۳ ۱۰۶".

بدین ترتیب نخستین اصل در نگرش مدیران به مسئولیت در دیدگاه امیر مومنان امام علی^{علیه السلام} این است که مدیر باید مسئولیت و منصب پذیرفته شده را امانتی تلقی کند که بر اساس سلسله مراتب، از خدا به ولی و از ولی به او واگذار شده است؛ و تمام کوشش او در جهت ادای این امانت باشد.

روش شناسی پژوهش

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی و تبیین مختصات نظام حکمرانی و مدیریت علوی از منظر نهج البلاغه است. با توجه به ماهیت پژوهش از راهبرد تئوری داده بنیاد^۳ استفاده شده است که هدف عمده آن، تبیین یک پدیده از طریق مشخص کردن عناصر کلیدی آن پدیده است. این پژوهش از نوع کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوای نهج البلاغه انجام شده است. سوال اصلی پژوهش حاضر این است که مختصات نظام حکمرانی و مدیریت علوی از منظر نهج البلاغه کدامند؟ لذا هدف اصلی از پژوهش حاضر، تبیین ابعاد قابل توجه به منظور تحول و بازاندیشی در حکمرانی و مدیریت از منظر نهج البلاغه است. متناظر با سوالات مطرح شده، اهداف فرعی زیر در این پژوهش متصور می باشد:

- ۱) شناسایی و تبیین مفاهیم حکمرانی و مدیریت علوی از منظر نهج البلاغه
- ۲) شناسایی و تبیین مقوله های حکمرانی و مدیریت علوی از منظر نهج البلاغه
- ۳) شناسایی و تبیین مضامین حکمرانی و مدیریت علوی از منظر نهج البلاغه

^۱ حکمت

^۲ خطبه

^۳ Grounded Theory

این مطالعه از حیث هدف، اکتشافی و در صدد ایجاد دانش و درک بهتر از پدیده مورد بررسی، یعنی حکمرانی و مدیریت از منظر نهج البلاغه است. بر این اساس، اجرای پژوهش به منظور پاسخ به این سوال صورت می‌پذیرد که ابعاد قابل توجه به منظور تحول و بازاندیشی در حکمرانی و مدیریت از منظر نهج البلاغه کدامند؟ رویکرد این پژوهش، استقرایی و نحوه انجام آن، کیفی است و ماهیت بین‌رشته‌ای دارد. پژوهش‌های کیفی برای کمک به پژوهش‌گر، به منظور درک افراد انسانی و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی که انسان‌ها در آن زندگی می‌کنند، شکل گرفته‌اند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۶). با توجه به ماهیت پژوهش، از راهبرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استفاده شده است که هدف عمده آن، تبیین یک پدیده از طریق مشخص کردن عناصر کلیدی آن پدیده است و در پنج مرحله طراحی پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها، تنظیم داده‌ها، تحلیل داده‌ها و مقایسه با متون، انجام می‌شود (اشراف و کوربین، ۱۹۹۶).^۱ ابعاد و مفاهیم مرتبط، از طریق بررسی متن نهج البلاغه و جمع‌آوری و تحلیل همزمان داده‌ها استخراج شده‌اند. نمونه‌برداری با کفایت نظری پایان می‌یابد، زمانی که جمع‌آوری هرگونه داده، کمکی به افزایش مفاهیم در یک مقوله یا تولید مقوله‌ای جدید نکند.

تحلیل داده‌ها بر اساس روش پژوهش و در دو سطح اصلی شامل سطح متنی^۲ و سطح مفهومی^۳ به انجام رسید. در سطح متنی، مواردی همچون تقسیم‌بندی فایل داده‌ها، کدگذاری متن، تصویرها، صداها و غیره انجام و روی آن‌ها یادداشت نوشته می‌شود.

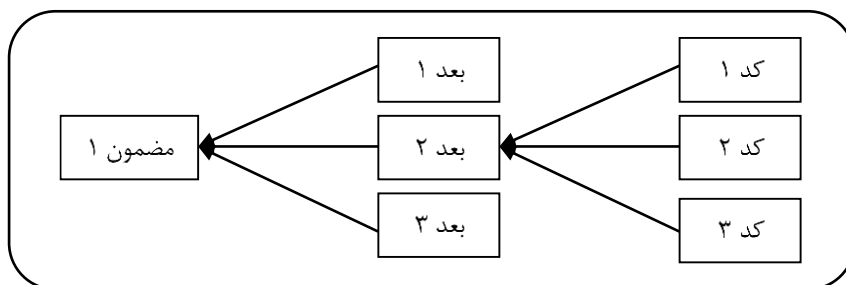
گام اول، کدگذاری باز: اشاره به بخشی از تحلیل دارد که با عنوان‌گذاری و مقوله‌بندی پدیده، آن طور که داده‌ها نشان داده‌اند، سروکار دارد و نیازمند پرسیدن سوالات و انجام مقایسه‌ها است. محصول عنوان‌گذاری و مقوله‌بندی، "مفاهیم" بوده، رکن اصلی در نظریه‌پردازی داده بنیاد تلقی می‌شود. کدگذاری باز شامل تحلیل و کدگذاری داده‌ها، مشخص نمودن طبقات و تفسیر آنها بر اساس ویژگی‌های هر طبقه است. در ضمن، کدگذاری باز داده‌ها، به بخش‌های مجزا خرد شده و برای به‌دست آوردن شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرند. در مرحله بعد، خود مفاهیم بر اساس

^۱ Strauss & Corbin, 1998

^۲ Contextual

^۳ Conceptual

شباهت‌هایشان مورد طبقه‌بندی قرار می‌گیرند که به این کار، مقوله‌پردازی گفته می‌شود. عنوانی که به مقوله‌ها (ابعاد) اختصاص داده می‌شود، انتزاعی‌تر از مفاهیمی (اجزایی) است که مجموعاً آن مقوله را تشکیل می‌دهند. مقولات دارای قدرت مفهومی بالایی هستند؛ زیرا می‌توانند مفاهیم و خرده مقولات را بر محور خود جمع کنند. مضامین، از کنار هم قرار گرفتن مقولات مرتبط ایجاد می‌شوند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۶). نحوه کدگذاری و تعیین ابعاد و مضامین گوناگون، به زبان ساده در شکل ۱ نشان داده شده است:



شکل ۱- نحوه کدگذاری و شناسایی ابعاد و مضامین در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد

یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌ها

در این مرحله ایجاد ۳۴۵۱ کد در مرحله کدگذاری باز و تولید بیش از هزار جزء مرتبط، ۴۷ بعد و ۵ مضمون (تم) صورت گرفت.

گام اول: کدگذاری باز

کدگذاری باز اشاره به بخشی از تحلیل دارد که با عنوان‌گذاری و مقوله‌بندی پدیده سروکار دارد و نیازمند پرسیدن سوالات و انجام مقایسه‌ها است. محصول عنوان‌گذاری و مقوله‌بندی، "مفاهیم" یعنی ارکان اصلی در ساختن تئوری داده بنیاد هستند. در مرحله بعد خود مفاهیم بر اساس شباهت‌هایشان مورد طبقه‌بندی قرار می‌گیرند که به این کار مقوله‌پردازی گفته می‌شود. نتایج فرایند کدگذاری باز در رابطه با مختصات حکمرانی و مدیریت علوی از منظر نهج البلاغه در جدول ۱ ذکر شده است.

جدول ۱- نتایج کدگذاری باز در خصوص مختصات حکمرانی و مدیریت علوی

مضمون	مقوله	منبع	اجزا (مصادیق مستخرج از نهج البلاغه)
ایمان به خداوند	ایمان به خداوند	خ ^۱ ۱۱۰	بهترین چیزی که انسان‌ها می‌توانند با آن به خدای سبحان نزدیک شوند، ایمان به خدا و ایمان به پیامبر و جهاد در راه خداست
		خ ۹۴	بزرگ است خداوندی که همت‌های والا حقیقت ذاتش را درک نکند و به حدس زیرکان درنیابد. اولی که او را پایان نیست که بدان منتهی شود و آخری نیست تا زمانش منقضی گردد
		خ ۱	سپاس خداوندی را که سخنوران از ستودن او عاجزند، و حسابگران از شمارش نعمت‌های او ناتوان، و تلاش‌گران از ادای حق او درمانده‌اند. خدایی که افکار ژرف-اندیش، ذات او را درک نمی‌کند
		خ ۱	سرآغاز دین، خداشناسی است؛ و کمال شناخت خدا، باور داشتن او
	شهادت به یگانگی او	خ ۲	شهادت به یگانگی خدا، نشانه استواری ایمان، بازکننده درهای احسان، مایه خشنودی خدای رحمان، و دور کننده شیطان است
		خ ۶۵	هر عزیزی جز او، دلیل است و هر نیرومندی، جز او ناتوان
		ح ^۲ ۲۵۰	خدا را از سست شدن اراده‌های قوی، گشوده شدن گره‌های دشوار و درهم شکسته-شدن تصمیم‌ها شناختم
		خ ۱۴۷	کسی که عظمت خدای را شناخت، سزاوار نیست که خویشتن را بزرگ بشمارد؛ زیرا بلندمرتبه‌گی کسانی که عظمت خدا را می‌دانند به این است که در برابر او فروتن باشند
		ن ^۴	در تمام کارها خود را به خدا واگذار، که به پناهگاه مطمئن و نیرومندی رسیده‌ای
		ن ۲۳	به خدا شرک نورزید
باور خداوند به عنوان قدرت مطلق ^۲	پرهیز از شرک	ن ۶۴	دیروز میان ما و شما بدان جهت جدایی افتاد که ما ایمان آوردیم و شما کافر شدید
		خ ۴	تظاهر به دین‌داری شما، پرده‌ای میان ما کشید
		خ ۱۳	دین شما دورویی، و آب آشامیدنی شما شور و ناگوار است
		خ ۱۶	جز پروردگار خود، دیگری را ستایش نکنید
		خ ۱۴۹	اما وصیت من نسبت به خدا، آن‌که چیزی را شریک خدا قرار ندهید
		خ ۱۷۶	ستمی که بخشیده نخواهد شد، شرک به خداست و قول خدای تعالی است که خداوند نمی‌بخشد آن‌که به او شرک آورد
	یقین به قدرت	خ ۲۲	من به پروردگار خویش یقین داشتم و در دین خود شک و تردیدی ندارم
		ن ۳۱	جان را با یقین نیرومند کن
		ح ۳۱	ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد

^۱ خطبه^۲ گواهی می‌دهم که خدایی نیست جز خدای یگانه که بی‌شریک و بی‌همتا است، آغاز و اول است و قبل از او چیزی نیست، نه پندارها برای او صفتی می‌دانند و نه عقل‌ها اثبات چگونگی او را می‌توانند؛ خطبه ۸۵.^۳ حکمت^۴ نامه

الهی و پرهیز از شک و تردید	ح ۹۷	خواهیدن همراه با یقین، برتر از نمازگزاردن با شک و تردید است
	ح ۱۲۵	اسلام همان تسلیم در برابر خدا و تسلیم، همان یقین داشتن و یقین، اعتقاد راستین و باور راستین، همان اقرار درست و اقرار درست، انجام مسئولیت‌ها، و انجام مسئولیت‌ها همان عمل کردن به احکام دین است
	ح ۱۸۴	از روزی که حق برای من نمایان شد، هرگز دچار تردید نشدم
یاری خواستن از خداوند	خ ۴	از روزی که حق به من نشان داده شد، هرگز در آن شک و تردید نکردم
	ن ۳۱	طالب دین نه اشتباه می‌کند، و نه در تردید و سرگردانی است
	ن ۳۱	قبل از پیمودن راه پاکان، از خداوند یاری بجوی
	ن ۵۳	خدای سبحان را با دل و دست و زبان خود یاری رسان؛ زیرا خداوند متعهد شده است که یاری‌کننده خود را یاری رساند و ارجمند دارنده‌اش را ارجمند دارد
	خ ۲	در رفع نیازها از او یاری می‌طلبیم؛ زیرا آن کس را که خدا هدایت کند، هرگز گمراه نگردد، و آن را که خدا دشمن دارد، هرگز نجات نیابد و هر آن کس را که خداوند بی‌نیاز گرداند، نیازمند نخواهد شد
	خ ۹۲	برای انجام واجبات، و شکر در برابر نعمت‌ها و احسان بی‌شمار الهی، از خدا یاری خواهید
	خ ۱۰۰	برای نگهداری حق الهی از او یاری می‌طلبیم
	خ ۱۴۶	ما در جنگ‌های گذشته با فراوانی سرباز نمی‌جنگیدیم، بلکه با یاری و کمک خدا مبارزه می‌کردیم ... و ما بر وعده پروردگار خود امیدواریم که او به وعده خود وفا می‌کند، و سپاه خود را یاری خواهد کرد
		من به وعده پیروزی که پروردگارم داده است، استوارم، خ ۱۷۴
	خ ۱۸۲	از خدا یاری می‌طلبیم، یاری خواستن کسی که به فضل او امیدوار، و به بخشش او آرزومند، و به دفع زیناش مطمئن، و به قدرت او معترف، و به گفتار و کردار پروردگار اعتقاد دارد
اطاعت خداوند	خ ۱۹۰	بر انجام حقوق الهی از او یاری می‌طلبیم
	خ ۱۹۱	ستایش خدایی را سزد که ستایش او در میان آفریدگان منتشر است و لشکرش پیروز و بزرگی‌اش برتر از هر چیز، او را بر نعمت‌های پیاپی‌اش و بخشش‌های بزرگش می‌ستایم
	خ ۱۹۸	اطاعت خدا را پوشش جان، نه پوشش ظاهری، قرار دهید
	خ ۲۱۴	هر گامی که در اطاعت برمی‌دارید، یآوری از طرف خدای سبحان وجود دارد
	خ ۲۲۳	اطاعت خدا را بپذیر
	ن ۵۳	اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد
	ن ۶۹	در همه کارهایت خدا را اطاعت کن، که اطاعت خدا از همه چیز برتر است
	خ ۱۸۴	خدا را اطاعت کنید و از فرمان خدا سر باز نزنید

ستایش خداوند	خ ۲	ستایش خداوند، گران‌سنگ‌ترین چیز است، و برترین گنجی است که ارزش ذخیره شدن دارد
	خ ۹۱	زبان به مدح غیر تو نگشایم، و بر این نعمت‌ها غیر از تو را ستایش نکنم
	خ ۱۸۰	خدا را بر آنچه که خواسته و هرکار که مقدر فرمود ستایش می‌کنم
	خ ۱۸۵	ستایش خداوندی را سزاست که حواس پنجگانه او را درک نکنند، و مکان‌ها او را در برنگیرند، دیدگان او را ننگرند و پوشش‌ها او را پنهان نسازند
	خ ۶۵	ستایش خداوندی را سزاست که صفتی بر صفت دیگرش پیشی نگرفته
	خ ۱۶۵	ستایش خداوندی را سزاست که عقل‌ها را از توصیف پدیده‌ای که برابر دیدگان جلوه‌گرند، ناتوان ساخت
	خ ۱۸۲	ستایشی که حق او را اداء کند و شکر شایسته او را به جا آورد
	خ ۱۸۳	ستایش خداوندی را سزاست که شناخته شد بی‌آن که دیده شود، و آفرید بی‌آن که دچار رنج و زحمتی گردد
	ن ۴۷	درباره قرآن، مبدا دیگران در عمل به دستوراتش از شما پیشی گیرند
قرآن	ن ۶۹	به ریسمان قرآن چنگ زن، و از آن نصیحت پذیر، حلالش را حلال، و حرامش را حرام بشمار
	خ ۱۱۰	و قرآن را بیاموزید، که بهترین گفتار است، و آن را نیک بفهمید، که بهار دلباست
	خ ۱۲۲	قرآن با من است، از آن هنگام که یار قرآن گشتم، از آن جدا نشدم
	خ ۱۲۳	این قرآن است که با آن می‌توانید راه حق را بگریید و با آن سخن بگویید و به وسیله آن، بشنوید
	خ ۱۵۲	قرآن ظاهرش علم، و باطنش حکمت است، نوآوری‌های آن پایان نگیرد و شگفتی‌هایش تمام نمی‌شود ... در نیک‌ها جز با کلیدهای قرآن باز نشود
	خ ۱۵۶	بر شما باد عمل به قرآن، که ریسمان محکم الهی، و نور آشکار و درمانی سودمند است، که تشنگی را فرو نشاند
	خ ۱۵۸	در قرآن علم آینده، و حدیث روزگاران گذشته است، شفادهنده دردهای شما، و سامان‌دهنده امور فردی و اجتماعی شما است
	خ ۱۷۶	از قرآن پیروی کنید، با قرآن خدا را بشناسید و خویشتن را با قرآن اندرز دهید ... آگاه باشید! کسی با داشتن قرآن، نیازی ندارد و بدون قرآن بی‌نیاز نخواهد بود
	خ ۱۹۸	قرآن نوری است که خاموشی ندارد، چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد
	خ ۲	عترت پیامبر، اساس دین و ستون‌های استوار یقین می‌باشند ... عترت پیامبر، جایگاه اسرار خداوندی و پناهگاه فرمان الهی و مخزن علم خدا و مرجع احکام اسلامی، و نگهبان کتاب‌های آسمانی و کوه‌های همیشه استوار دین خداوند، خدا به وسیله اهل بیت، پشت خمیده دین را راست نمود و لرزش و اضطراب آن را از میان برداشت
عترت (اهل بیت پیامبر)	خ ۴	شما مردم به وسیله ما، از تاریکی‌های جهالت نجات یافته و هدایت شدید
	خ ۹۴	عترت او بهترین عترت‌ها، و خاندانش بهترین خاندان‌ها، و درخت وجودش از بهترین درختان است

ارکان
شش‌گانه
بندگی
خداوند بر
اساس
سیره امیر
مومنان
امام علی
(ع)

			خ ۹۷	مردم به اهل بیت پیامبرتان بنگرید، از آن سو که گام برمی دارند بروید، قدم جای قدمشان بگذارید، آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی برند، و به پستی و هلاکت باز نمی گردانند. اگر سکوت کردند سکوت کنید، و اگر قیام کردند قیام کنید، از آنها پیشی نگیرید که گمراه می شوید، و از آنان عقب نمانید که نابود می گردید
			خ ۱۲۰	درهای دانش و روشنایی امور انسان ها نزد ما اهل بیت پیامبر است
			خ ۱۵۴	مردم! ما اهل بیت پیامبر چونان پیراهن تن او، و یاران راستین او، و خزانه داران علوم و معارف وحی، و درهای ورود به آن معارف می باشیم، که جز از در، هیچ کس به خانه ها وارد نخواهد شد
			ح ۱۰۹	ما تکیه گاه میانه ایم، عقب ماندگان به ما می رسند، و پیش تاختگان به ما باز می گردند
		تقوا	ح ۱۳۰	بهترین توشه، تقوا است
			ن - های ۳۲، ۴۵، ۵۵، ۴۱ و خ ۲۳۷	از خدا بترس
			ن ۴۷	شما را به ترس از خدا سفارش می کنم
			ن ۲۵	با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد، حرکت کن
			ح ۴۱۰	تقوا در رأس همه ارزش های اخلاقی است
			خ ۲۳	از خدا در آن چه اعلام خطر کرده است، بر حذر باشید
			خ ۱۱۴	ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می کنم، که زاد و توشه سفر قیامت است
			خ ۱۵۷	تقوا، دژی محکم و شکست ناپذیر است
			خ ۱۶۱	بندگان خدا! شما را به ترسیدن از خدا و فرمانبرداری او سفارش می کنم
			خ ۱۶۴	پس خدا را، خدا را، پروا کن
			خ ۱۶۷	از خدا بترسید، و تقوا پیشه کنید
			خ ۱۹۰	به تقوا روی آورید که رشته آن استوار، و دستگیره آن محکم، و قله بلند آن پناهگاهی مطمئن است
			ن ۵۳	او (مالک اشتر) را به ترس از خدا فرمان می دهد
			ن ۲۴	پسران فاطمه از این اموال به همان مقدار سهم دارند که دیگر پسران علی خواهند داشت
		عدالت	ح ۳۱	ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد
			ح ۲۲۴	و به عدالت، دشمن از پای در آید
			ن ۲۷	در نگاه هایت، و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن
			ن ۲۵	در سوار شدن بر شتران عدالت را رعایت کند

اخلاص	ن ۴۶	در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش، تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند، و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند
	ن ۵۰	با همه شما به گونه‌ای مساوی رفتار کنم
	ن ۵۳	همانا برترین روشنی چشم زمامداران، برقراری عدل در شهرها است ... با گسترش عدالت در بین مردم، و مهربانی با رعیت، به آنان اطمینان خواهی داشت
	خ ۳۴	ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من، آن که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم
	خ ۱۶۴	پس بدان که برترین بندگان خدا در پیشگاه او، رهبر عادل است که خود هدایت شده و دیگران را هدایت می‌کند
	خ ۱۹۱	خدایی که بردباری‌اش زیاد است و می‌بخشد و در آن چه حکم کرده، عدالت را رعایت نموده است
	خ ۱	"کمال توحید، اخلاص و کمال اخلاص، خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است
	خ ۱۶۷	حفظ حقوق مسلمانان را به وسیله اخلاص و توحید، استوار کرد
	خ ۲۳	هرکس، کاری برای غیر خدا انجام دهد، خدا او را به همان غیر، واگذارد
	خ ۱۶۹	به خدا سوگند! اگر در پیروی از حکومت و امام، اخلاص نداشته باشید، خدا دولت اسلام را از شما خواهد گرفت که هرگز به شما باز نخواهد گردانید و در دست دیگران قرار خواهد داد
جهاد در راه خدا	ن ۳۱	در راه خدا آن‌گونه که شایسته است تلاش کن، و هرگز سرزنش ملامت‌گران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد
	ح ۳۱	ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد
	ن ۶۲	برای جهاد با دشمنان کوچ کنید
	خ ۲۷	به راستی جهاد دری از درهای بهشت است، که خداوند به روی دوستان مخصوص خود گشوده است، و جهاد، لباس تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداست
	ن ۴۷	خدا را، خدا را، در مورد جهاد با اموال، جان‌ها و زبان‌های خویش در نظر بگیرید
	خ ۱۱۰	جهاد در راه حق که مایه اعتلای اسلام است
	ح ۲۵۲	خداوند جهاد را برای عزت بخشیدن به اسلام واجب فرمود
	خ ۸۳	و به او توکل می‌کنم، چون تنها یاور و کفایت‌کننده است
	خ ۹۰	هر کس به او توکل نماید، او را کفایت کند
	خ ۱۶۱	بر خدا توکل می‌کنم، توکلی که بازگشت به سوی او باشد
صفات ایجابی ^۱	توکل به خداوند	

^۱"وُظِیفَةُ مَنْ جَزَّ تَلَّاشٌ وَ كُوشَشٌ فِي إِصْلَاحِ أُمُورِ شِمَا نِیْسَتْ، خُطْبَةُ ۱۷۸"

^۲"ای مردم! سزاوارترین اشخاص به خلافت، آن کسی است که در تحقّق حکومت نیرومندتر، و در آگاهی از فرمان

خدا داناتر باشد، خطبه ۱۷۳"

خ ۱۸۳	او کفایت‌کننده و بهترین وکیل است	
ن ۵۳	کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیا، از خاندانی پاکیزه و باتقوا، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن. زیرا اخلاق آنان گرامی‌تر، و آبروی‌شان محفوظ‌تر، و طمع‌ورزی‌شان کمتر، و آینده‌نگری آنان بیشتر است ... کسی که گرامی‌داشتن، او را به سرکشی و تجاوز نکشاند تا در حضور دیگران با تو مخالفت کند ... منزلت و قدر خویش را بشناسد	دقت در انتخاب و انتصاب کارگزاران و مدیران
ن ۶۵	پناه بر خدا که پس از من ولایت مسلمانان را بر عهده گیری، و سود و زیان آن را بپذیری، یا برای تو (معاویه) با یکی از مسلمانان پیمانی یا قراردادی را امضا کنم و نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود، مسلمانان را به گمراهی کشاند، و ستمکار نیز نمی‌تواند رهبر مردم باشد، که با ستم، حق مردم را غصب و عطا‌های آنان را قطع کند، و نه کسی که در تقسیم بیت‌المال عدالت ندارد، زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروهی مقدم می‌دارد، و رشوه‌خوار در قضاوت نمی‌تواند امام باشد، زیرا برای داوری با رشوه گرفتن، حقوق مردم را پایمال، و حق را به صاحبان آن می‌رساند، سزاوار نیست بخیل بر ناموس و جان و غنیمت‌ها و احکام مسلمین، ولایت و رهبری یابد	
خ ۱۵۶	امر به معروف و نهی از منکر دو صفت از صفات خداوند سبحان است و این دو صفت، مرگ را نزدیک نگردانند و از روزی آدمی نگاهند	
ح ۲۵۲	خداوند امر به معروف را به خاطر اصلاح توده مردم و نهی از منکر را برای جلوگیری از نابرخدان از زشتی‌ها واجب کرد	
ن ۳۱	امر به معروف کن تا اهل آن شوی! و با دست و زبان نهی از منکر کن و با کوشش بسیار از کسی که منکرات را انجام می‌دهد دوری گزین	امر به معروف و نهی از منکر
ح ۳۷۴	تمامی اعمال و کارهای نیک، حتی جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، مانند قطره‌ای در مقابل یک دریای بزرگ و پهناور است	
خ ۱۲۹	نفرین خدا بر آن کسانی که امر به معروف کنند و خود آن را ترک گویند، و نهی از منکر کنند و خود مرتکب آن شوند!	
ن ۴۷	امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید که در این صورت بدان شما زمام امورتان را به دست می‌گیرند و آن‌گاه هر چه دعا کنید، مستجاب نخواهد شد	
ح ۷۳	کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد، و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند، سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد	خودسازی
خ ۲۱۶	رعیت اصلاح نمی‌شود جز آن که زمامداران اصلاح گردند و زمامداران اصلاح نمی‌شوند، جز با درست‌کاری رعیت	
ن ۱۱	از پراکندگی بهره‌یزید	وحدت -
ن ۵۸	تا کار مسلمانان استوار شود و به وحدت برسند، و ما برای اجرای عدالت نیرومند شویم	آفرینی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؟» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؛ صف، ۲.

اختلاف نابودکننده اندیشه است	ح ۲۱۵		
جایگاه رهبر چونان ریسمانی محکم است که مهره‌ها را متحد ساخته، به هم پیوند می‌دهد	خ ۱۴۶		
رهبر جامعه باید با مردم به راستی سخن گوید و پراکندگی مردم را به وحدت تبدیل، و اندیشه خود را برای پذیرفتن حق، آماده گرداند	خ ۱۰۸		
مسلمانان، پس از وحدت و برادری به جدایی و تفرقه رسیدند، و از ریشه و اصل خویش، پراکنده شدند	خ ۱۶۶		
با اتحاد و هماهنگی عزیز و قدرتمندند	خ ۱۴۶		
من تا آنجا که برای وحدت اجتماعی شما احساس خطر نکنم، صبر خواهم کرد	خ ۱۶۹		
باید از حکمران و امام خود اطاعت کنی ... تو حق نداری بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی	ن ۵	اطاعت- پذیری از امام	
از حکمرانان خود، در آنچه که خدا امور شما را اصلاح می‌کند، اطاعت کنید	ن ۵۰		
گفته او را بشنوید، و از فرمان او اطاعت کنید	ن ۱۳		
پیرو حکومت و فرمانبردار امام خود باش	ن ۳۳		
او در پیشروی و عقب‌نشینی و حمله، بدون فرمان من اقدام نمی‌کند	ن ۳۸		
با رغبت مسلمان شد، و از روی فرمان برداری هجرت کرد، و با قناعت زندگی گذراند، و از خدا راضی بود، و مجاهد زندگی کرد	ح ۴۳	صبر و بردباری	
ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد	ح ۳۱		
بر شما باد به شکیبایی، که شکیبایی، ایمان را چون سر است بر بدن و ایمان بدون شکیبایی چونان بدن بی‌سر، ارزشی ندارد	ح ۸۲		
بردباری و تحمل سختی‌ها، ابزار ریاست است	ح ۱۷۶		
انسان شکیبا، پیروزی را از دست نمی‌دهد، هر چند زمان آن طولانی شود	ح ۱۵۳		
خیر آن است که دانش تو فراوان، و بردباری تو بزرگ و گران‌مقدار باشد	ح ۹۴		
کسی را که شکیبایی نجات ندهد، بی‌تابی او را هلاک گرداند	ح ۱۸۹		
شکیبایی، گورستان پوشاننده عیب‌هاست	ح ۶		
در برآوردن نیازهایشان (نیازهای مردم) شکیبا باشید	ن ۵۱		
به عهد نزدیکی که بسته‌اید، وفادار مانند	خ ۱۳۸	وفای به عهد و امانت- داری	
عهد و پیمان‌ها را پاس دارید به‌خصوص با وفاداران	ح ۱۵۵		
ای مردم! وفا همراه راستی است	خ ۴۱		
به آنچه پیمان بستم وفادارم، هر چند تو دگرگون شده، و همانند روزی که از من جدا شدی نباشی	ن ۷۸		
هرگز پیمان وفاداران را نخواهم شکست	ن ۲۹		
فساد، خیانت و فریب، در عهد و پیمان راه ندارد	ن ۵۳		

یکی دیگر از وظایف الهی، ادای امانت است	خ ۱۹۹		
اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش، و بر آنچه بر عهده گرفتی امانت‌دار باش، و جان خود را سپر پیمان خود گردان، زیرا هیچ یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست ... هرگز پیمان‌شکن مباش، و در عهد خود خیانت مکن، و دشمن را فریب مده، زیرا کسی جز نادان بدکار، بر خدا گستاخی روا نمی‌دارد	ن ۵۳		
همانا پُست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است ... در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است، و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری	ن ۵		
کسی که امانت الهی را خوار شمارد، و دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته، و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده، و در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود و همانا بزرگترین خیانت، خیانت به ملت، و رسواترین دغل‌کاری، دغل‌بازی با امامان است	ن ۲۶		
اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم	ن ۲۰		
نسبت به آنچه در اختیار داری از خدا بترس، و در حقوق الهی که بر تو واجب است اندیشه کن	ن ۲۹		
ایمان، این است که راست‌گویی را، هر چند به زیان تو باشد، بر دروغ‌گویی، گرچه به سود تو باشد، ترجیح دهی	حکم ت ۴۵۸		
رهبر جامعه باید با مردم به راستی سخن گوید و پراکندگی مردم را به وحدت تبدیل، و اندیشه خود را برای پذیرفتن حق آماده گرداند	خ ۱۰۸	صداقت و راستگویی	
بپرهیز از دوستی با کسی که بسیار دروغ می‌گوید که او مانند سراب است که دور را برای تو نزدیک و نزدیک را دور می‌گرداند	ح ۳۸		
پس باید امام و راهنمای مردم به مردم راست بگوید، و راه خرد پیماید و از فرزندان آخرت باشد که از آنجا آمده و بدانجا خواهد رفت	خ ۱۵۴		
دوست دارید مردم برای خدا شما را گرامی دارند، اما خودتان مردم را در راه خدا گرامی نمی‌دارید	خ ۱۱۷		
مانند اشخاص سلطه‌گر و سخت‌گیر رفتار نکن	ن ۲۵	گرامی داشتن مردم/زیرد ستان برای خدا و مدارا با ایشان	
نیکوکاری به مردم، و تخفیف مالیات، و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند (مورد توجه است) ... آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر ... انصاف را رعایت کن، که اگر چنین نکنی ستم روا داشتی	ن ۵۳		
با مردم آن (بصره) به نیکی رفتار کن ... خشونت با آنها را به من گزارش دادند ... مدارا کن	ن ۱۸		
برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید، و به مال کسی، نمازگزار باشد، یا غیرمسلمانی که در پناه اسلام است، دست‌اندازی نکنید ... در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید	ن ۵۱		
از خشونت و قساوت و تحقیر مردم و سنگدلی تو شکایت کردند	ن ۱۹		
حال که روزگار در اختیار تو است، آسان گیر	ن ۳۱		

ن ۲۶	به او سفارش می‌کنم با مردم تندخو نباشد و به آنها دروغ نگوید	حسن خلق و مهربانی
ن ۲۷	نرم‌خو و مهربان باش، گشاده‌رو و خندان باش	
ن ۵۱	از خوش‌رفتاری با سپاهیان، و کمک به رعایا، و تقویت دین خدا، غفلت نکنید	
ح ۲۵۷	هر کس دلی را شاد کند، خداوند از آن شادی لطفی برای او قرار دهد	
ح ۱۲۳	خوشا به حال آن کس که خود را کوچک می‌شمارد، و کسب‌وکار او پاکیزه است، و جانش پاک، و اخلاقش نیکوست	
ح ۳۸	گرامی‌ترین ارزش خانوادگی، اخلاق نیکوست	
ح ۱۰	با مردم آن گونه معاشرت کنید، که اگر مُردید بر شما اشک ریزند، و اگر زنده ماندید، با اشتیاق سوی شما آیند	
ن ۵۳	مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرارده، و با همه دوست و مهربان باش ... پس در کارهای آنان به گونه‌ای بیندیش که والدینی مهربان درباره فرزندشان می‌اندیشند ... با گسترش عدالت در بین مردم، و مهربانی با رعیت، به آنان اطمینان خواهی داشت	
ن ۲۵	در سلام و تعارف و مهربانی کوتاهی نکن	
ن ۵۳	مبادا هرگز در کاری که وقت آن فرا نرسیده شتاب کنی، یا کاری که وقت آن رسیده سستی ورزی، و یا در چیزی که روشن نیست ستیزه‌جویی نمایی و یا در کارهای واضح و آشکار کوتاهی کنی. تلاش کن تا هر کاری را در جای خود، و در زمان مخصوص به خود، انجام دهی	نظم
ن ۴۵	اگر اعراب در نبرد با من پشت به پشت یکدیگر بدهند، از آن روی برنتابم	شجاعت
ن ۶۲	به خدا سوگند! اگر تنها با دشمنان روبرو شوم، در حالی که آنان تمام روی زمین را پر کرده باشند، نه باکی داشته، و نه می‌هراسم	
ن ۲۸	فرزندان عبدالمطلب را در کجا دیدی که پشت به دشمن کنند؟ و از شمشیر بهراسند؟	
ن ۳۸	در لحظه‌های ترس از دشمن روی نمی‌گرداند	
ن ۶۴	اگر در ملاقات با من شتاب داری، دست نگهدار، زیرا اگر من به دیدار تو بیایم سزاوارتر است، که خدا مرا به سوی تو فرستاده تا از تو انتقام گیرم	مشورت
ن ۵۰	کاری را جز حکم شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم	
ح ۵۴	هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست	
ح ۲۱۱	آن کس که با رأی خود احساس بی‌نیازی کند به کام خطرها افتد	
ح ۱۷۳	آن کس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد	
ن ۵۳	در امور کارمندان بیندیش، و پس از آزمایش به کارشان بگمار، و با میل شخصی، و بدون مشورت با دیگران، آنان را به کارهای مختلف وادار نکن ... با دانشمندان، فراوان گفتگو کن، و با حکیمان فراوان بحث کن	
ن ۵۳	بخیل را در مشورت دخالت نده، که تو را از نیکوکاری باز می‌دارد، و از تنگدستی می‌ترساند، ترسو را در مشورت دخالت نده ... حریص را در مشورت دخالت نده	
ح ۱۶۱	هر کس خودرأی شد به هلاکت رسید، و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل‌های آنان شریک شد	

امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است ... من از دنیای شما طلا و نقره‌ای نیندوخته، و از غنیمت‌های آن چیزی ذخیره نکرده‌ام ... هیئات که من سیر بخوابم و و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد	ن ۴۵	ساده زیستی	
به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره، تو را به مهمانی خویش فراخواند و تو به سرعت به سوی آن شتافتی	ن ۴۵		
پس باید امام و راهنمای مردم به مردم راست بگوید، و راه خرد پیماید	خ ۱۵۴		
تیره‌روز، کسی است که از عقل و تجربه‌ای که نصیب او شده، محروم ماند	ن ۷۸		
خردمند آن است که هر چیزی را در جای خود می‌نهد	ح ۲۳۵		
فکرت را به کارگیر	ن ۶۳		
همانا ارزشمندترین بی‌نیازی عقل است و و بزرگ‌ترین فقر بی‌خردی است	ح ۲۸		
آن که میانه‌روی کند، تهیدست نمی‌شود	ح ۱۴۰	عقلانیت و خردورزی	
از اسراف بپرهیز، و میانه‌روی را برگزین	ن ۲۱		
بیش از تحمل خود بار مسئولیت‌ها را به دوش نگیر	ن ۳۱	تدبیر و میانه‌روی	
هرگونه کندروی برای آن (قلب) زیان‌بار و هرگونه تندروی برای آن فسادآفرین است	ح ۱۰۹		
بخشنده باش اما زیاده‌روی نکن، در زندگی حسابگر باش اما سخت‌گیر نباش	ح ۳۳		
درشت‌خویی را با اندک نرمی بیامیز	ن ۴۶		
کسی که میانه‌روی را ترک کند از راه حق منحرف می‌گردد	ن ۳۱		
در اشتباهاتش پافشاری نکند، و بازگشت به حق پس از آگاهی، برای او دشوار نباشد	ن ۵۳		
آن کسی که تو را هشدار داد، مانند کسی است که تو را مژده داد	ح ۵۹		
من پشت سر سپاه در حرکتیم، شکایت‌های خود را به من رسانید ... در اموری که لشکریان بر شما چیره شده‌اند که قدرت دفع آن را جز با کمک خدا و من ندارید، به من مراجعه کنید	ن ۶۰	بازخورگیر	
جز زبانت چیز دیگری پیام‌رسانت با مردم، و جز چهره‌ات دربان و وجود نداشته باشد، و هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان	ن ۶۷	ی و اصلاح انحرافات	
بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصا به امور آنان رسیدگی کنی ... در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند ... همواره در فکر مشکلات آنان باش ... هیچ‌گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار	ن ۵۳		
کارهایت را به بهترین آنان (نویسندگان و منشیان) واگذار ... خواص جامعه همواره بار سنگینی بر حکومت تحمیل می‌کنند ... آنها را با خدماتی که برای زمامداران شایسته و پیشین انجام داده‌اند بیازمای. به کاتبان و نویسندگانی اعتماد داشته باش که در میان مردم آثاری نیکو گذاشته، و به امانت‌داری از همه مشهورترند ... برای هریک از کارهایت سرپرستی برگزین که بزرگی کار بر او چیرگی نباید، و	ن ۵۳	تاکید بر مراقبت جدی از خواص و	

حلقه نزدیکان	فراوانی کار او را در مانده نسازد ... از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن، و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تایید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن ... از میان آنان افرادی را که در حق‌گویی از همه صریح‌ترند، و در آنچه را که خدا برای دوستانش نمی‌پسندد تو را مددکار نباشند، انتخاب کن، چه خوشایند تو باشد یا نباشد	
	اولویت- بندی و وقت- شناسی	ن ۵۳ ن ۶۹ ح ۳۹
	برخورد جدی و قاطعانه با خیانتکاران	ن ۵۳ ن ۵۳
		خ ۲۱۶
		خ ۲۱۶
صفات سلبی ^۲	ستایش- پذیری	خ ۲۱۶ ن ۵۳ ن ۵۳ ن ۳۱ ن ۲۱ ح ۱۶۷ خ ۱۳۳ ح ۶ ح ۲۱۲
		خ ۲۱۶
		خ ۲۱۶
		ن ۵۳
		ن ۵۳
		ن ۳۱
		ن ۲۱
		ح ۱۶۷
		خ ۱۳۳
		ح ۶
		ح ۲۱۲

^۱ نفس خود را بازدار و از آن نگهبانی کن، ن ۵۶^۲ نفس خویش را نگهبان باشی، و به اندازه توان در امور رعیت تلاش کنی، ن ۵۹

			خ ۱۹۲	از آنچه خداوند نسبت به ابلیس انجام داد عبرت بگیرید، زیرا خداوند اعمال فراوان و کوشش‌های مداوم او را با تکبر از بین برد
			ن ۵۳	مبادا هرگز دچار خودپسندی گردی! و به خوبی‌های خود اطمینان کنی، و ستایش را دوست داشته باشی، که اینها همه از بهترین فرصت‌های شیطان برای هجوم آوردن به توست، و کردار نیک نیکوکاران را نابود سازد ... تنگ‌نظری و خودبزرگ‌بینی را از خود دور ساز تا خدا درهای رحمت خود را به روی تو بگشاید ... به مردم نگو، به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم، پس باید اطاعت شود؛ که این گونه خودبزرگ‌بینی، دل را فاسد، و دین را پژمرده، و موجب زوال نعمت‌هاست
			خ ۱۹۲	پس شراره‌های تعصب و کینه‌های جاهلی را در قلب خود خاموش سازید، که تکبر و خودپرستی در دل مسلمان از آفت‌های شیطان، غرورها و کشش‌ها و وسوسه‌های اوست
			خ ۱۷۳	از آنچه مغرورتان می‌کند، چشم ببوشید
			خ ۱۷۸	من بر شما ترسناکم که در جهالت و غرور فرو رفته باشید
			خ ۱۹۲	از تکبر و خودپسندی، و از تفاخر جاهلی برحذر باشید
	حرص و طمع		ح ۱۸۰	طمع‌ورزی، بندگی همیشگی است
			ح ۲۲۶	طمع‌کار همواره زبون و خوار است
			ن ۵۳	بخل و ترس و حرص، غرایز گوناگونی هستند که ریشه آنها بدگمانی به خدای بزرگ است
			ح ۲۱۹	قربانگاه اندیشه‌ها، زیر برقی طمع‌هاست
			ح ۲	آن که جان را با طمع‌ورزی ببوشاند خود را پست کرده است
			ن ۷۲	آنچه که روزی تو نیست به تو نخواهد رسید
			ن ۴۵	هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد و حرص و طمع مرا وادارد که طعام‌های لذیذ برگزینم
	ظلم		ن ۵۳	پس با ریختن خونی حرام، حکومت خود را تقویت مکن
			ن ۳۱	بدترین غذاها، لقمه حرام، و بدترین ستم‌ها، ستمکاری به ناتوان است
			ن ۵۳	کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد، خدا به جای بندگان دشمن او خواهد بود
			ن ۴۸	همانا ستمگری و دروغ‌پردازی، انسان را در دین و دنیا رسوا می‌کند
			خ ۱۱۶	انان مردمی بودند نیک‌اندیش، ترجیح‌دهنده برابری، گویندگان حق، و ترک‌کنندگان ستم
			ح ۲۲۱	بدترین توشه برای قیامت، ستم بر بندگان است
			ن ۶۰	من نزد شما و پیمانی که با شما دارم از آزار رساندن سپاهیان به مردم بیزارم

ن ۵۹	باید که کار مردم در آنچه حقّ است نزد تو یکسان باشد، زیرا در ستمکاری بهایی برای عدالت یافت نمی‌شود	تبعیض
ن ۴۱	اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا آن که حقّ را از آنان بازپس ستانم، و باطلی را که به ستم پدید آمده نابود سازم	
ن ۵۳	مبادا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی امتیازی خواهی!	
ن ۴۳	حقّ مسلمانانی که نزد من یا پیش تو هستند، در تقسیم بیت‌المال مساوی است	
ح ۲۱۸	حسادت بر دوست، از آفات دوستی است	حسد و بُخل
ح ۳	بخل ننگ، و ترس نقصان است	
ح ۲۵۶	سلامت تن در دوری از حسادت است	
ح ۱۲۶	در شگفتم از بخیل، به سوی فقری می‌شتابد که از آن می‌گریزد	
ن ۵۳	بخل و ترس و حرص، غرایز گوناگونی هستند که ریشه آنها بدگمانی به خدای بزرگ است	
ح ۱۳۸	آن که پاداش الهی را باور دارد، در بخشش سخاوتمند است	
ن ۳۱	چون (برادرت) بخل ورزد تو بخشنده باش ... اگر قدرت مالی داری، بیشتر انفاق کن،	
ح ۲۲۵	شگفتا که حسودان از سلامتی خود غافل مانده اند	
خ ۹۱	آتش کینه در دل‌های‌شان شعله‌ور نگردید	کینه‌توزی
ن ۱۲	مبادا کینه آن پیش از آن که آنان را به راه هدایت فرا خوانید، و درهای عذر را بر آنان ببندید شما را به جنگ وا دارد	
خ ۱۳۳	مردم! گویا به خیانت و کینه‌ورزی اتّفاق دارید، و در رفتار ریاکارانه، گیاهان روئیده از سرگین را می‌مانید	
خ ۱۹۲	از کینه‌توزی با یکدیگر، پرکردن دل‌ها از بُخل و حسد، به یکدیگر پشت‌کردن و از هم بریدن، و دست از یاری هم کشیدن، بهره‌یزید	
ن ۵۳	گره هر کینه‌ای را در مردم بگشای و رشته هر نوع دشمنی را قطع کن	
خ ۱۹۲	پس شراره‌های تعصّب و کینه‌های جاهلی را در قلب خود خاموش سازید، که تکبر و خودپرستی در دل مسلمان از آفت‌های شیطان، غرورها و کشش‌ها و وسوسه‌های اوست	
خ ۸۶	با یکدیگر دشمنی و کینه‌توزی نداشته باشید	
ح ۱۱۹	دنایای حرام چون مار سمی است، پوست آن نرم ولی سم کشنده در درون دارد	دنیاطلبی و دنایای حرام
ح ۱۹۲	ای فرزند آدم! آنچه را که بیش از نیاز خود فراهم کنی، برای دیگران انداخته‌ای	

خوشا به حال آنان که از دنیای حرام چشم پوشیدند، و دل به آخرت بستند	ح ۱۰۴		
از دروغ برکنار باشید که با ایمان فاصله دارد ... ریاکاری و تظاهر، هرچند اندک باشد، شرک است	خ ۸۶	دروغ- گویی، تظاهر و دورویی	
بدترین گفتار دروغ است	خ ۸۴		
سفارش می‌کنم که مبدا در ظاهر خدا را اطاعت، و در خلوت نافرمانی کند	ن ۲۶		
مبدا در دین دورویی ورزید	خ ۱۷۶		
هیچ‌گاه دروغی نگفتم	خ ۱۶		
در پیمودن راه شتاب مکن	ن ۱۲	شتاب- زدگی	
با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنها شروع کنند	ن ۱۴		
باد غرورت، جوشش خشم، تجاوز دست و تندی زبانت را در اختیار خودگیر و با پرهیز از شتاب‌زدگی و فروخوردن خشم، خود را آرامش ده تا خشم فرو نشیند و اختیار نفس در دست تو باشد ... مبدا هرگز در کاری که وقت آن فرا نرسیده شتاب کنی!	ن ۵۳		
شما سستی به خرج دادید	خ ۲۷		
سستی انسان در انجام کارهایی که بر عهده اوست، و پافشاری در کاری که از مسئولیت او خارج است، نشانه ناتوانی آشکار و اندیشه ویرانگر است	ن ۶۱	مدارا و سستی	
برای مبارزه سستی می‌کنید	خ ۲۹		
در هنگامه جنگ، سست و ناتوانید	خ ۱۸۰		
آتش جهنم، سرانجام کسانی است که سستی می‌ورزند	خ ۱۵۷		
در مبارزه با مخالفان حق، و آنان که در گمراهی و فساد غوطه‌ورند، یک لحظه مدارا و سستی نمی‌کنم	خ ۲۴		
مالک، نه سستی به خرج داده و نه دچار لغزش می‌شود	ن ۱۳		
چیزی شما را از عیب‌جویی برادر دینی باز نمی‌دارد	خ ۱۱۳	عیب- جویی	
از رعیت، آنان را که به دنبال عیوب دیگران بیشتر جست و جو می‌کند، از خود دور کن، و دشمن بدار	ن ۵۳		
شما بسیار طعنه‌زن، عیب‌جو، رویگردان از حق، و پر مکر و حيله‌اید	خ ۱۱۹		
ای مردم! خوشا به حال کسی که عیب‌شناسی نفس، او را از عیب‌جویی دیگران باز دارد	خ ۱۷۶		
شکرگزاری، آنان را از عیب‌جویی دیگران باز دارد ... ای بنده خدا، در گفتن عیب کسی شتاب مکن، شاید خدایش بخشیده باشد	خ ۱۴۰		
هرگز بر آرزوها تکیه نکن که سرمایه احمقان است	ن ۳۱		

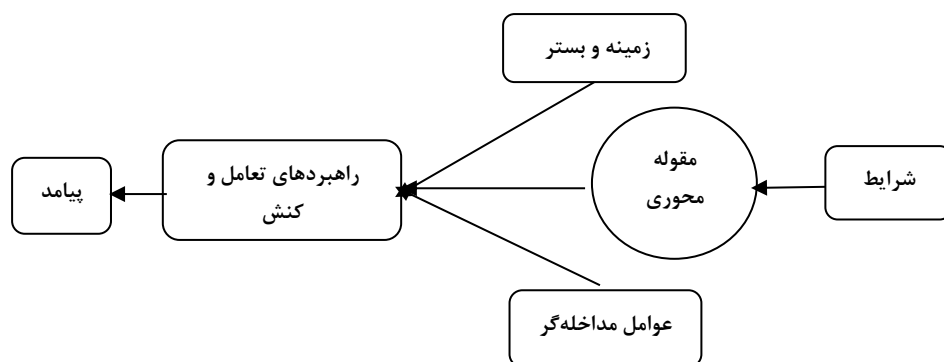
ن ۶۴	شقاوت و آرزوهای باطل، آنها را به انکار نبوت محمد "صلی‌الله علیه و اله و سلم" واداشت	آرزوهای دور و دراز	دنیاطلبی و دنیای حرام
ح ۱۹	آن کس که در پی آرزوی خویش تازد، مرگ او را از پای درآورد		
ح ۳۴ و ۲۱۱	بهترین بی‌نیازی، ترک آرزوهاست		
ح ۳۶	کسی که آرزوهایش طولانی است، کردارش نیز ناپسند است		
ح ۱۳۳	دنیا گذرگاه عبور است، نه جای ماندن؛ و مردم در آن دو دسته‌اند: یکی آن که خود را فروخت و به تباهی کشاند، و دیگری آن که خود را خرید و آزاد کرد		
ح ۱۹۲	ای فرزند آدم! آنچه را که بیش از نیاز خود فراهم کنی، برای دیگران اندوخته‌ای		
ح ۱۱۹	دنیای حرام چون مار سمی است، پوست آن نرم ولی سم کشنده در درون دارد		
ح ۶۴	اهل دنیا سوارانی در خواب مانده‌اند که آنان را می‌رانند		
ن ۷۸	به دنیاپرستی روی آورده، و از روی هوای نفس سخن گفتند		
ن ۷۰	آنان (فراریان مدینه به شام) دنیا پرستانی هستند که به آن روی آوردند، و شتابان در پی آن روانند		
ن ۴۹	دنیاپرستان چیزی از دنیا به دست نمی‌آورند ... کسی که به دنیای حرام برسد از آنچه به دست آورده راضی و بی‌نیاز نمی‌شود		
ح ۲۳۶	به خدا سوگند! این دنیای شما که به انواع حرام آلوده است، در دیده من از استخوان خوکی که در دست بیماری جذامی باشد، پست‌تر است		
ن ۵۶	از فریب کاری دنیا بر نفس خویش بی‌مناک باش، و هیچ‌گاه از دنیا ایمن مباش		
ن ۵۵	ما را برای دنیا نیافریده‌اند، و تنها برای دنیا به تلاش فرمان داده نشدیم		
ن ۴۷	به دنیاپرستی روی نیاورید، گرچه به سراغ شما آید، و بر آنچه از دنیا از دست می‌دهید اندوهناک مباشید		

گام دوم: کدگذاری محوری

کدگذاری محوری، گام دوم نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به روایت استراوس و کوربین است. هدف این مرحله، برقراری رابطه بین مقولات تولید شده در مرحله کدگذاری باز است. این کار بر اساس یک الگو و سرمشق جامع و کلی، موسوم به مدل پارادایم^۱ انجام می‌شود و به نظریه‌پرداز کمک می‌کند تا نظریه فراگرد اجتماعی مورد مطالعه را راحت‌تر توسعه دهد (نمودار ۱). اساس فراگرد ارتباط دهی در کدگذاری محوری، بر تمرکز و

^۱ Paradigm Model

تعیین یک مقوله به منزله مقوله محوری یا اصلی قرار داشته و سپس سایر مقولات به مثابه مقولات فرعی، ذیل عناوین گوناگون مدل پارادایم، به مقوله اصلی ارتباط داده می‌شوند. هدف از کدگذاری محوری، ایجاد رابطه بین طبقات ایجادشده در مرحله کدگذاری باز است. در حالی که کدگذاری باز، داده‌ها را به مفاهیم و مقوله‌ها تفکیک می‌کند، کدگذاری محوری، از طریق پیوند دادن یک مقوله و مقوله‌های فرعی آن، داده‌ها را بهم پیوند می‌دهند:



نمودار ۱- مدل پارادایم (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۶)

برابر نمودار ۱، بخش‌های گوناگون مدل پارادایم عبارتند از:

- **شرایط علی^۱:** این شرایط، باعث ایجاد پدیده یا مقوله محوری می‌شوند و بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری مقوله محوری دارند؛
- **طبقه محوری^۲:** پدیده‌ای که اساس و محور فراگرد است و باید به قدرکافی انتزاعی باشد تا بتوان سایر مقولات اصلی را به آن ربط داد؛
- **زمینه و بستر^۳:** به شرایط خاصی که بر راهنماها تأثیر می‌گذارند، زمینه گفته می‌شود؛

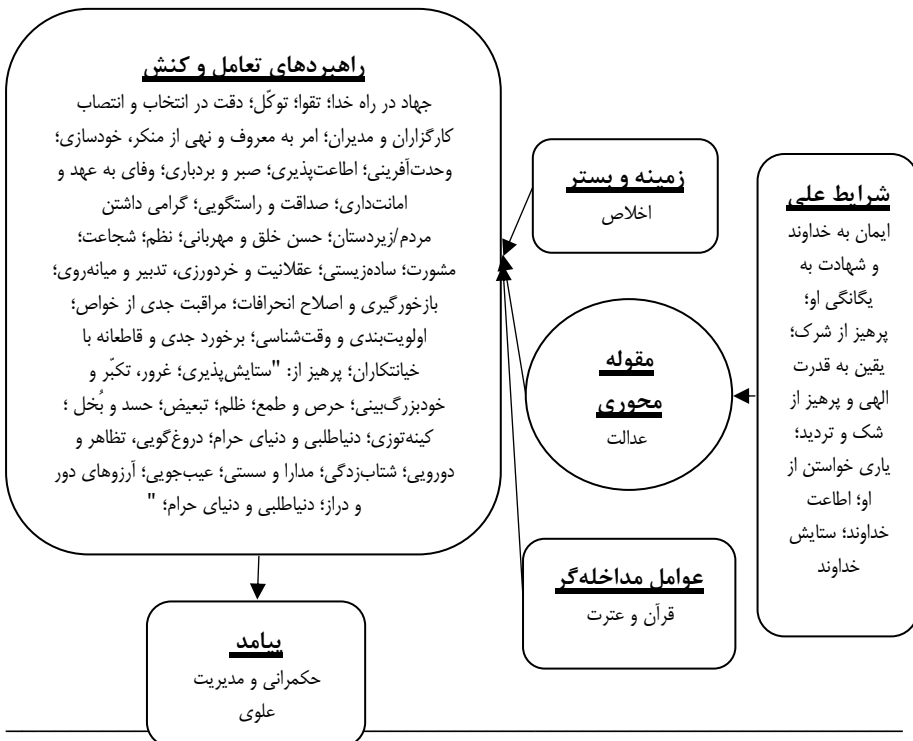
^۱ Causal Conditions

^۲ Central Category

^۳ Context

- **راهبردهای تعامل و کنش**^۱: رفتارها، فعالیت‌ها و مراودات هدف‌داری‌اند که در پاسخ به مقوله محوری و تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر، اتخاذ می‌شوند؛
- **عوامل مداخله‌گر**^۲: شرایط مداخله‌گر، شرایط عمومی و ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند.
- **پیامد**^۳: مقوله‌ای که در رابطه با آن، نظریه ارائه می‌شود.

بعد از تعریف مقوله محوری با کدگذاری مجدد داده‌ها، انواع شرایط تأثیرگذار بر مقوله محوری (زمینه و شرایط مداخله‌گر)، کنش‌ها و برهم‌کنش‌هایی که برای اداره، کنترل یا پاسخ به مقوله محوری به وجود می‌آیند (به آن‌ها راهبرد نیز گفته می‌شود) و پیامدهای ناشی از آن‌ها نیز تعریف می‌شوند. در نمودار ۲ که حاصل تجزیه و تحلیل مجدد داده‌ها بر اساس مدل پارادایم است، مقوله «عدالت» به منزله مقوله محوری در نظر گرفته شده است:



¹ Action & Interaction Strategies

² Intervening Conditions

³ Outcome

نمودار ۲- تحول و بازاندیشی در نظام حکمرانی و مدیریت از منظر نهج البلاغه

گام سوم، کدگذاری انتخابی:

هدف نظریه پردازی داده بنیاد، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده. برای این که تحلیل ها به نظریه تبدیل شوند، مفاهیم باید به طور م - منظم ب - ه یک - دیگر ر ب - ط یابند. کدگذاری انتخابی، مرحله اصلی نظریه پردازی است که بر اساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری (که به منزله مراحل مقدماتی و زمینه ساز برای نظریه پردازی، مقوله ها و روابط مقدماتی را به منزله سازه ها و اصول اصلی نظریه در اختیار می گذارند) به تولید نظریه می پردازد؛ به این ترتیب که مقوله محوری را به شکلی سامان مند به دیگر مقوله ها ربط داده، آن روابط را در چارچوب یک روایت روشن کرده و مقوله هایی را که به بهبود و توسعه بیش تری نیاز دارند، اصلاح می کند. در این سطح، سعی می شود با کنار هم نهادن مقوله ها، حول مقوله محوری، به منزله مضمون اصلی یک روایت نظری برای پدیده ارائه شده و ضمن آن، حول و حوش این رشته اصلی، بین مفاهیم و مقوله ها، ارتباطی سامان مند ایجاد شود. بنابراین، کدگذاری انتخابی، فراگرد یکپارچه سازی و بهبود (پالایش) مقوله ها است؛ به این ترتیب که محقق با ایجاد چیدمان خاص بین مقوله ها، آن ها را برای ارائه و شکل دهی یک نظریه (تصویر) تنظیم می کند. تئوری حاصل شامل ایده ها و نمونه هایی است که می تواند در پژوهش های بعدی مورد بررسی قرار گیرد. این نظریه می تواند در قالب مجموعه ای از فرضیه ها (اصلی و فرعی) بیان شود. همانطور که اشاره شد، در این مطالعه، مختصات نظام حکمرانی و مدیریت علوی بر مبنای نهج البلاغه، مورد بررسی و موشکافی قرار گرفت. در مطالعه این پدیده، مقوله های نوینی به چشم خورد که بر اساس آن ها، جداول کدگذاری باز تنظیم شد؛ سپس در مرحله کدگذاری محوری، بر اساس مدل پارادایم و با محوریت مقوله «عدالت»، به منزله یک مضمون اصلی، مقوله ها توسعه بیش تری پیدا کرده، بین آن ها و مقوله محوری روابطی ایجاد شد.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر تبیین مختصات نظام حکمرانی و مدیریت علوی بر اساس سیره امیر مومنان امام علی «علیه السلام» با محوریت نهج البلاغه بود.

دستاوردها:

بازاندیشی و تحول در نظام حکمرانی و مدیریت، ضروری‌ترین اقدام مورد انتظار به منظور بهبود شرایط است. در این امتداد، بهره‌مندی از نهج البلاغه، یکی از منابع غنی و قابل اتکایی است که می‌تواند نقش بسیار مهم و قابل توجهی ایفا نماید. اهتمام به عدالت به عنوان مقوله محوری موثر بر بازاندیشی و تحول در نظام حکمرانی و مدیریت از منظر نهج البلاغه قابل تأمل است. نکته اینجاست که جهاد در راه خدا؛ تقوا؛ توکل؛ دقت در انتخاب و انتصاب کارگزاران و مدیران؛ امر به معروف و نهی از منکر، خودسازی؛ وحدت‌آفرینی؛ اطاعت‌پذیری؛ صبر و بردباری؛ وفای به عهد و امانت‌داری؛ صداقت و راستگویی؛ گرمی داشتن مردم/زیردستان؛ حسن خلق و مهربانی؛ نظم؛ شجاعت؛ مشورت؛ ساده‌زیستی؛ عقلانیت و خردورزی، تدبیر و میانه‌روی؛ بازخوردگیری و اصلاح انحرافات؛ مراقبت جدی از خواص؛ اولویت‌بندی و وقت‌شناسی؛ برخورد جدی و قاطعانه با خیانتکاران؛ پرهیز از: "ستایش‌پذیری؛ غرور، تکبر و خودبزرگ‌بینی؛ حرص و طمع؛ ظلم؛ تبعیض؛ حسد و بخل؛ کینه‌توزی؛ دنیاطلبی و دنیای حرام؛ دروغ‌گویی، تظاهر و دورویی؛ شتاب‌زدگی؛ مدارا و سستی؛ عیب‌جویی؛ آرزوهای دور و دراز؛ دنیاطلبی و دنیای حرام؛" نباید در گذر زمان کمرنگ شوند یا به فراموشی سپرده شوند. در نگاه حکمرانی و مدیریت از منظر نهج البلاغه، عدالت محور و هسته مرکزی تمامی اقدامات و فعالیت‌های حکمران/مدیر است. همانطور که مطرح شد، حکمرانی خوب، حکمرانی مطلوب، حکمرانی سالم و مفاهیم مشابه در سه دهه اخیر به شدت مورد توجه محققان علوم اجتماعی بوده است و بر مواردی همچون مشارکت و مسئولیت‌پذیری تأکید داشته‌اند. با توجه به یافته‌های پژوهش، مبرهن است که حکمرانی و مدیریت علوی از منظر نهج البلاغه، مدلی جامع و کامل به منظور تحقق الزامات حکمرانی است، به نحوی که انحرافات را اصلاح و جامعه را به سمت تعالی و پیشرفت هدایت نماید.

منابع

۱. پاکروان، بایرام (۱۳۹۹). تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد با استفاده از رهیافت تحلیل بین‌کشوری. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۵(۸۴)، ۱۱۵-۱۴۲.
۲. پورعزت، علی‌اصغر (۱۴۰۲). مبانی مدیریت دولتی، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.

۳. پورعزت، علی اصغر (۱۴۰۲). مبانی دانش اداره و حکومت (مبانی مدیریت دولتی)، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، تهران.
۴. توکلی، غلامرضا، بابایی، سحر و سجادی، علیرضا (۱۳۹۹). تبیین و تحلیل شاخص های حکمرانی خوب در ودجا. مدیریت و پژوهش های دفاعی، ۱۹ (۸۷)، ۷۳-۱۰۲.
۵. دانایی فرد، حسن، الوانی، سید مهدی و آذر، عادل (۱۳۸۶)، روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: نشر صفار.
۶. پورعزت، علی اصغر و عبدی، بهنام (۱۳۹۸). مفهوم پردازی حکمرانی مسولانه مبتنی بر فناوری اطلاعات در جهت نیل به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، ۹ (۳۰)، ۲۱۳-۱۹۳.
۷. عبدی، بهنام و پورعزت، علی اصغر (۱۴۰۰). طراحی مدل مفهومی سیستم پشتیبان ارزشیابی عملکرد سرمایه های انسانی، دوره ۱، شماره ۱، صفحه ۳۷-۶۰.
۸. عبدی، بهنام (۱۳۹۹). مختصات فرماندهی و مدیریت از منظر نهج البلاغه. تهران: انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع).
۹. مرادی، روح الله (۱۴۰۲). بررسی حقوق مالکیت بعنوان کلید توسعه اقتصادی از منظر نهج-البلاغه، دوره ۳، شماره ۱، صفحه ۸۹-۱۱۸.

1. Pettai V. & Illing E. (2004). "Governance and Good Governance". Journal of Humanities and Social Sciences. Vol. 8. No 4.
2. Bevir, M (2013). "Governance: A very short introduction". Oxford. UK: Oxford University Press.
3. OECD (2025). Corporate Governance Factbook, 2025.
4. The World Bank (2006), "A decade of measuring the quality of governance" The World Bank, Washington, DC.
5. The World Bank (2025). World Bank's Governance Global Practice: Development news, research, data, , Washington, DC.
6. Strauss, A. & Corbin, J. (1998). Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, California: Sage Publications, Inc., second edition.